



ویرانه‌های باشکوه

نظری بر میراث در حال تخریب

شرف‌الدین اصفهانی

پس از استیلای افغانه به شهر اصفهان (۱۱۳۵-۱۱۴۸ هـ ق) دامنه ویرانه‌های این شهر چندان وسیع بود که سیاح اروپایی ژان اوتر که در دوره نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰ هـ ق) به این شهر آمده، آن را به ویرانه‌ای تشبیه کرده است^۱ و این در حالی است که با مراجعه به تواریخ عصر صفوی و سفرنامه‌های فرنگیانی که در آن دوره به این شهر آمده‌اند مانند سفرنامه‌های شاردن و کمپفر می‌بینیم که اصفهان را بهترین پایتخت مشرق‌زمین توصیف کرده و گاه آن را برتر از شهرهای مشهور و زیبای جهان- در آن روزگار- یعنی اسلامبول، پاریس، لندن یا بعضی بلاد مهم و معتبر آسیا و اروپا دانسته‌اند.^۲

پس از فاجعه هولناک سقوط اصفهان تا مدت‌ها وسعت خرابی به حدی بود که کریم‌خان زند نیز از انتقال پایتخت به اصفهان صرف نظر نمود و شیراز را به عنوان مرکز سیاسی و نظامی حکومت تعیین کرد.

در دوره قاجاریه با پایتخت شدن طهران و توسعه آن، شهرهای دیگر چون اصفهان رونق چندانی نیافت و با آنکه امثال حاج محمدحسین خان صدر اصفهانی باعث بنای چندین

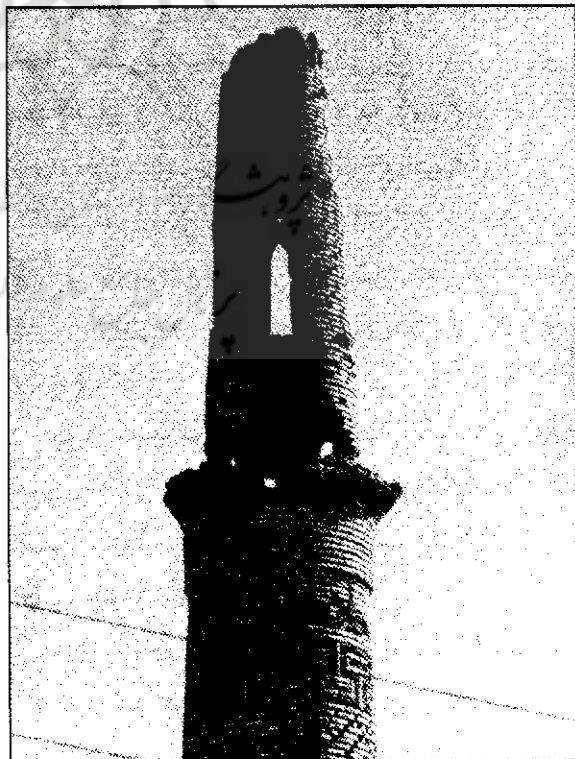
نقش اصفهان در تاریخ، تمدن و فرهنگ اسلامی به خلاف آنچه مشهور است تنها از عصر صفویه آغاز نشده، و آثار تاریخی این شهر نیز منحصر به آنچه از زمان دولت صفوی در اصفهان بنا شده است نمی‌باشد.

اگر چه آثار برجای مانده از دوران صفویان به عنوان زیباترین و ارزنده‌ترین بناهای موجود در ایران و اصفهان و از ارزشمندترین آثار هنر و معماری اسلامی در قرن یازدهم و دوازدهم هجری محسوب می‌شود، نکته بسیار مهم و قابل توجه آنکه آثار دوره‌های قبل از صفوی و حتی قرون اولیه اسلامی که در این شهر وجود داشته، به مرور زمان از بین رفته است و متأسفانه آنچه از آن ادوار تا کنون باقی مانده، بعضی مورد بی‌احتیایی واقع شده و بسیاری از آنها نیز تخریب گردیده است. با توجه به اینکه آثار نهفته در این شهر و حومه آن از مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی و نشانگر جنبه‌های گوناگون هنر و معماری اصیل و غنی گذشته می‌باشند، باید مورد اهتمام و حفاظت قرار گیرد و آثار و بناهای تاریخی و ارزشمند برای نسل‌های بعدی باقی بماند و گوشه‌هایی از هویت درخشان تمدن ما را ثابت و تداعی کند.



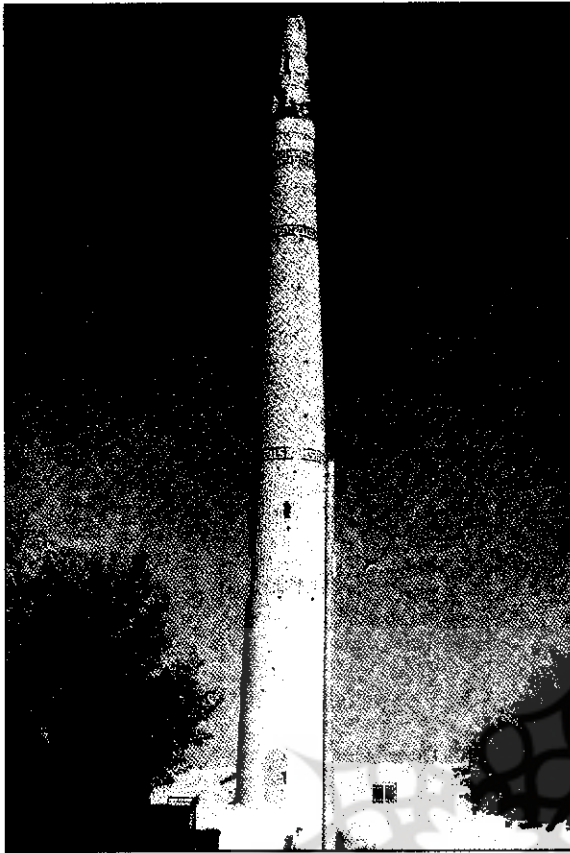
اثر ماندنی گردیدند، ولی در عهد ناصری خاصه در دوران حکومت سیاه ظل السلطان بر این شهر آنچنان فجایع ویرانیهایی به خود دید که دوران حاکمیت او را می توان در ردیف وقایع هولناکی چون حملات مغولان، تیمور و نیز فتنه افغان به حساب آورد.

سی و چهار سال حاکمیت سیاه شاهزاده مسعود میرزا معروف به «ظل السلطان» بسیاری از کاخهای عالی و شاهکارهای ممتاز اصفهان را که موجب حیرت جهانیان بود، نابود کرده است و در واقع آخرین سالهای حکومت وی در اصفهان به منزله طوفانی ویرانزا بود زیرا او که با به شاهی رسیدن برادرش مظفرالدین شاه، امید سلطنت خود را از دست رفته می دید برای تلافی بیشتر، شاهکارهای برجسته و آثاری چون مسجد بابا سوخته، مناره های جامع جی، ته برنجی، خواجه علم، هفت مدرسه خواجه، هفت مدرسه محله مستهلک و عباس آباد و بناهایی چون آئینه خانه و... را که در دنیا بی نظیر بود، خراب کرد و مصالح آنها را فروخت. از آن همه کاخهای گوناگونی که شاردن در اصفهان دیده و شرح



مبسوطی در باره هر کدام در سفرنامه خود به قلم آورده، اکنون جز دو سه بنای خراب چیزی باقی نمانده و تقریباً بیست و پنج الی سی سال می شود که تمامی آنها را ظل السلطان ویران کرده است.^۳

با بررسی برخی از کتب تاریخ محلی یا سفرنامه های فرنگیان و یا مستشرقانی چون جکسن، مادام دیولافوا و اوژن فلاندن به این نتیجه می رسیم که تخریب بسیاری از آثار تاریخی مهم و ارزشمند اعم از مساجد، مدارس، مناره ها، بقاع و تکایا، قلاع، قصرهای دیدنی و باغهای فراوانی که در آن آثار قابل توجه فرهنگی و هنری یافت می شد از دو قرن پیش آغاز شده و تا حدود پنجاه سال پیش ادامه داشته است و این موضوع بیشتر بر اثر سیاستهای ظالمانه حکام وقت و بی توجهی و عدم شناخت مسؤولان و دست اندرکاران یا مردم آن زمان بوده است؛ خاصه اینکه در زمان پهلوی با توجه به از خود بیگانگی آن سلسله و باز شدن راه ورود فرهنگ بیگانه و زدودن اندیشه ها و آثاری که مربوط به فرهنگ و تمدن اسلامی می شد، این موضوع بیشتر به چشم می آید. اگر چه برخی از آثار در آن زمان صرفاً تاریخی بودن بازسازی و ترمیم شده لکن تعداد زیادی نیز منهدم و ویران گشته است. اما آنچه که در حال حاضر موجود است، باید حفظ شود بخصوص اینکه خوشبختانه ما در مرحله نوینی از تاریخ کشورمان بسر می بریم که ضمن زنده ساختن گذشته های درخشان باید میراث آنان را نیز حفظ و حراست کنیم. برای آنکه آثار تاریخی از گزند تخریبها در امان بماند باید مسؤولان محترم شهر اهتمام بیشتری مبذول دارند، در این باب دقت و توجه خاص برخی از دانشوران در سالیان گذشته - مانند تلاشهای قلمی و قدمی مرحوم عباس بهشتیان و استاد سید مصحح الدین مهدوی (ره) - مثال زدنی است. نمونه ای از این دقتها را می توان در کتاب «سیری در تخت فولاد اصفهان» اثر مرحوم مهدوی ملاحظه کرد. در این کتاب نویسنده از بی توجهی و بی دقتی بعضی از مسؤولان شهرداری آن زمان اصفهان در از بین رفتن یا تخریب آثار بسیار قدیمی تخت فولاد و تخریب آن - مانند قبر



یوشع (ع) و بقاع اطراف آن- سخن گفته و از بی دردیها و بی تعهدیها گلایه کرده است. وی همچنین از خرابی یکی دیگر از قدیمی ترین آثار اصفهان که مربوط به هزار و صد سال پیش می شده ابراز ناراحتی کرده است، اثر مذکور محل سنگ و قبر فولاد دیلمی بود که در قسمت غربی غسلخانه تخت فولاد واقع شده بود. این آثار در سال ۱۳۶۴ شمسی مصادف با ۱۴۰۷ هـ ق توسط شهردار ناحیه شش و شش و هفت اصفهان از بین رفته است.^۴

برای جلوگیری از تکرار چنین مسائلی چه باید کرد؟ مسلماً یکی از امور لازم آن است که نقش و عظمت اصفهان در تمدن اسلامی و فرهنگ این سرزمین تبیین شود. نگارنده لازم می داند نظر مسؤولان میراث فرهنگی را در باب آثار اصفهان و اطراف آن جلب کند، چراکه توجه بیشتر مسؤولان امر و متولیان امور فرهنگی حلال بسیاری از مشکلات خواهد بود. لذا در این راستا به جهت ادای تکلیف، طی چند شماره به چند نمونه از این آثار ارزشمند یا ویرانه های باشکوه اشاره می شود:

۱- مناره زیار

این مناره در روستایی واقع در سی کیلومتری شرق اصفهان و در ساحل جنوبی زاینده رود واقع شده است. مؤلف آثار ایران این اثر را بسیار با ارزش دانسته است و در توصیف آن می نویسد:

«به روی تک پایه ای آجری و هشت گوشه، مناری مدور در سه طبقه سر بر آسمان افراشته است. مصالحی که در ساختمان آن به کار رفته نظیر پایه منار از آجر است و در بعضی قسمتها از کاشیهای فیروزه ای نیز استفاده شده است. هر طبقه این منار از طبقه ماقبل خود کوتاهتر است. هر یک از دو طبقه فوقانی دارای قرنیزی به شکل زنگ کلیسا می باشد که با استفاده از شیوه قطار بندی ساخته شده است. قرنیز بالایی پایه عجیبی شبیه صندوق دارد. در پای منار، مسجدی گنبدی وجود داشته که از میان رفته است. پی منار، پلکان، طاق و نورگیرهای آن

همگی معمولی است. پایه هشت ضلعی منار که از پایین به بالا به تدریج باریکتر می شود، ۵/۵ متر ارتفاع دارد. قطر بخش اول منار که استوانه ای شکل است، از قطر پایه کمتر و ۴/۸ متر است. ضخامت دیوار در این قسمت ۸۶ سانتیمتر و قطر میله میانی منار ۱/۵ متر است. ارتفاع این بخش تا سکوی فوقانی اش ۳۳ متر می باشد. بخش دوم منار که جرأت نکردم از آن بالا بروم، با قطری برابر با ۲/۶۷ متر شروع می شود. قطر میله میانی منار در این نقطه ۵۵ سانتیمتر و ضخامت دیوار آن ۴۶ سانتیمتر است. ارتفاع منار در مجموع ۵۰ متر و قسمتهایی که مورد بررسی قرار گرفت، سالم و بی نقص مانده است.»^۵

این مستشرق و باستانشناس فرانسوی در باب تزیینات این مناره نیز چنین آورده است:

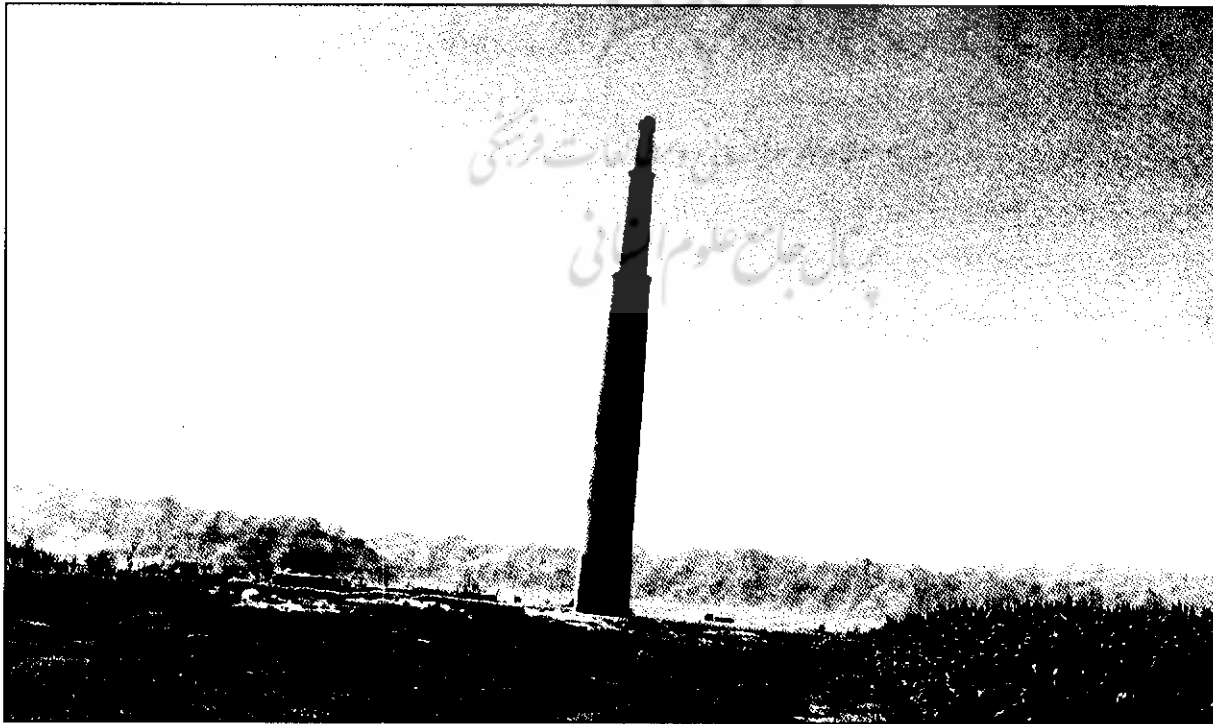
«اولین طبقه منار شامل شش قسمت است که پایین ترین قسمت با آجرچینی ساده بنا شده و در دیگر بخشها صنعت



پایین‌ترین قسمت این طبقه دارای آجرچینی ساده است. قسمت دوم دارای کتیبه‌ای به خط نسخ قائم‌الزاویه است. قسمت سوم نقوشی لوزی دارد و بالاترین قسمت دارای لوحه‌های مربع است و در آنها کتیبه‌هایی به خط نسخ که با کاشی فیروزه‌ای ساخته شده دیده می‌شود. این کتیبه‌ها که یک شکل و تکراری هستند در چهارچوبی از آجرهای راسته (عمودی) قرار گرفته‌اند. در پایین آنها نواری از لوحه‌های چهارگوش وجود دارد که با آجرهای برجسته که خطوط نسخ قائم‌الزاویه را می‌نمایانند ساخته شده است. تاج مقعر قرنیز بر دو ردیف آجرهای برجسته نهاده شده است. این قرنیز احتمالاً سکویی چوبی داشته است.

طبقه سوم دارای دو قسمت است. قسمت پایین ساختمانی ساده دارد. بخش بالایی نیز تقریباً به همین شکل است. در این جا چهار پنجره باریک وجود دارد هر یک با سر طاق جناخی مزین به چند نقش به شکل گلبوگ که پنجره چهارم ادامه یافته و تبدیل به در شده است. انتهای منار پایه چهارگوشی دارد که از آجر و به صورت برجسته ساخته شده است. پهلوهای این مکعب حاوی کتیبه‌ای به خط نسخ

آجرچینی تزئینی بکار رفته است. در قسمت ساده زیرین و در ضلع جنوبی لوحه‌ای به شکل مربع و با عمق کم دیده می‌شود که درون آن خالی است ولی بدون شک در گذشته دارای کتیبه‌ای بوده (که به سرقت رفته) است. قسمت‌های سوم، چهارم و پنجم مزین به نقوشی به شکل لوزی هستند که به سبک منار مسجد سین ساخته شده است، با این تفاوت که قسمت پنجم دارای کلوکهای کاشی فیروزه‌ای رنگ است. بخش دوم کتیبه‌ای به خط نسخ قائم‌الزاویه دارد که کلمات آن تکرار شده است. قسمت ششم شامل کتیبه نواری شکلی به خط کوفی است که با کاشیهایی بالعباب فیروزه‌ای بر زمینه‌ای از آجرهای راسته رقم زده شده است. چهارچوب این کتیبه از آجرهای برجسته تراشیده ساخته شده است. در زیر این کتیبه، نواری از کاشیهایی لوزی و دایره به رنگ فیروزه‌ای دیده می‌شود. نقوش اخیر مقعرند و لعاب فیروزه‌ای آنها در مرکز دایره تیره‌تر و غلیظ‌تر است. قرنیز این بخش شبیه نیمرخ نوعی سرمستون است. پیش از این در این نقطه سکویی چوبی وجود داشته که از مدخلی با سرطاق جناخی به آن وارد می‌شده‌اند. طبقه دوم منار دارای تزئیناتی در چهار قسمت است.





هنوز چیزی که بتوان با آن مقایسه کرد پیدا نکرده‌ام. پیشنهاد می‌کنم فعلاً تاریخ بنای این منار را میان سالهای ۵۵۰ و ۶۸۸ هجری بدانیم تا بعدها برای آن تاریخ دقیقتری پیدا شود.^۸ کتیبه این مناره در قسمت فوقانی آن به خط کوفی برجسته با کاشی فیروزه‌ای بر زمینه آجر ساده است که آیه ۳۳ از سوره مبارکه فصلت بر آن حک شده است:

«بسم الله و من احسن قولاً ممن دعا الى الله و عمل صالحاً و قال اننى من المسلمين الله ربى.»^۹

این مناره نیز همچون برخی از آثار تاریخی اصفهان در معرض تخریب است و کشت و زرع اطراف این منار تهدیدی جدی برای این اثر ارزشمند تاریخی است.

۲- مناره راهروان

از دیگر بناهای مهم و ارزشمند عصر سلجوقی در اطراف اصفهان، مناره راهروان است که در شش کیلومتری شمال شرقی اصفهان و در منطقه خوراسگان واقع شده است. این بنا هنوز ساختار اصلی خود را حفظ کرده، لکن به دلایلی در معرض ویرانی قرار گرفته است.

بنا به نوشته کتاب ارزشمند «آثار ایران» تاریخ تقریبی ساختمان آن باید بین سالهای ۵۷۵ تا ۶۸۸ هجری قمری بوده باشد.^{۱۰}

در همین کتاب آمده است: «این بنا بی تردید تقلیدی از منارهای بزرگ اصفهان است و تاریخ بنای آن بعد از مناره مسجد علی، ساریان و یا زیار می باشد.»^{۱۱}

همانطور که اشاره شد متأسفانه بنا به دلایلی این اثر جالب و تاریخی به تدریج رو به تخریب است و بر اساس گزارش رسیده موارد ذیل باعث تخریب و نابودی سریع این بنا تاریخی گردیده است که باید مورد توجه مسئولان امر بخصوص مسئولان اداره میراث فرهنگی اصفهان قرار گیرد:

- ۱- فروریزی قسمت فوقانی مناره.
- ۲- احداث ساختمانهای مسکونی در اطراف مناره و تصاحب زمینهای آن.
- ۳- جاری شدن فاضلاب در آبروهای کوچک در جنب بنا.

قائم‌الزویه می‌باشد که با کاشی فیروزه‌ای ساخته شده است.^۶ کارشناسان آثار و ابنیه تاریخی ایران و خاصه شهر اصفهان در باره قدمت این اثر اظهارنظرهای متفاوتی ابراز داشته‌اند. از جمله آقای «مایرون بمنت سمیث» که راجع به مناره‌های اصفهان تحقیقاتی انجام داده است سال ساختمان آن را پس از مقایسه با سایر مناره‌های این دوره از نظر معماری و نوع تزیینات و آرایش همزمان با ساختمان مناره «ساریان» و بین سالهای ۵۵۰ تا ۶۸۸ هجری می‌داند.^۷

آندره گدار در این مورد آورده است:

«تزیینات موجود این منار می‌رساند که از ساختمان منار غار (گار) و مسجد سین به بعد این صنعت رو به توسعه و پیشرفت نهاده است؛ ولی اگر فقط از روی قسمتهای پایینی آنها تضاد کنیم - که در هر سه یک شکل است - پیشرفت تزیینات در منار اخیر را محدود به اضافه کردن کلوکهای کاشی لعابدار می‌بینیم.



وجود پنجره‌های یاد شده نمی‌رساند که این منار قدیمی نباشد ولی در مورد لوحه‌های دارای خطوط نسخ این منار



۴- استفاده از فضای اطراف مناره به جهت فرسودگی در اثر ایجاد ارتعاش صوتی وسایل نقلیه با آن و در نهایت ایجاد خطرات جانی برای عابرین.^{۱۲}

در اینجا بی مناسبت نیست اشاره‌ای به نوشته‌ی آندره گدار و سایر مؤلفین کتاب «آثار ایران» که بیش از نیم قرن پیش در مورد این مناره و بنای آن آمده داشته باشیم:

«توصیف مناره: به روی تک پایه‌ای کوتاه، مربع و آجری میله‌ای مدور و آنهم آجری در دو طبقه بر پا شده است. انتهای طبقه اول دارای قرنیزی به شکل زنگ کلیسا می‌باشد که به شیوه قطار بندی ساخته شده است. طول هر یک از اضلاع پایه مربع مناره سه متر است و میله مناره مماس با اضلاع آن (تائوانت) ساخته شده است. ساختمان پلکان مناره معمولی است جز آن که میله میانی در قسمتی از مسیر هشت گوشه ساخته شده. این طبقه به اضافه پایه مناره ۲۵/۸۸ متر طول دارد و جمع ارتفاع مناره تقریباً ۲۹/۵ متر می‌باشد.

در گذشته مناره دارای یک سرسرای چوبی بوده است. لوحه‌ای به شکل مستطیل با عمق کم که در حال حاضر خالی است، در حدود نه متری تنه منار در سمت شمال قرار دارد که احتمالاً در گذشته حاوی کتیبه‌ای نیز بوده است.

تزئینات مناره: میله مناره به پنج قسمت تقسیم شده است: پایین ترین قسمت با آجر چینی ساده ساخته شده است. قسمت دوم دارای کوربندهای پهن عمودی میان آجرها است و سومی کتیبه‌ای به خط نسخ قائم‌الزاویه دارد که معمولی و مورب است، چهارمین قسمت متشکل از نقوش لوزی شکل معمولی است و آخرین و پنجمین قسمت کتیبه‌ای به شکل گردنبند است که با کاشیهای معرق فیروزه‌ای ساخته شده. این رنگ در سه عدد از لبه‌های باریکی که میان مناطق فوقانی مناره واقع شده نیز دیده می‌شود. جنس کاشیها نامرغوب است و رنگ آنها نیز یکدست نیست.^{۱۳}

پی‌نوشت

۱- سفرنامه ژان اوتر در عصر نادرشاه، ص ۸۹.

۲- سفرنامه شاردن (قسمت اصفهان)، ص ۳۳ تا ۳۷؛ سفرنامه کمپفر،

ص ۱۸۵ تا ۱۹۸؛ سفرنامه ناورنیه، ص ۳۷۸ تا ۳۸۰.

۳- سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ص ۹۰۶.

۴- سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۱.

۵- آثار ایران، ۴، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۶- همان، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.

۷- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۲۰۴.

۸- آثار ایران، ۴، ص ۱۶۵ و ۱۶۷.

۹- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۲۰۴.

۱۰- آثار ایران، ۴، ۱۶۷.

۱۱- همان.

۱۲- گزارش آقای مرتضی موسی پور به دفتر فصلنامه فرهنگ اصفهان در تاریخ ۷۵/۵/۲۳ در باره مناره راهروان.

۱۳- آثار ایران، ۴، ۱۶۷.

فهرست منابع

- ۱- آثار ایران: آندره گدار، جلد چهارم، ترجمه ابوالحسن سروقدم، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش.
- ۲- سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه: همایون فره‌وشی، تهران، چاپ امیرکبیر، ابن سینا.
- ۳- سفرنامه ناورنیه، ترجمه ابوتراب نوری و حمید شیرانی، انتشارات سنایی تهران و تأیید اصفهان، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش.
- ۴- سفرنامه ژان اوتر «عصر نادرشاه» ترجمه: دکتر علی اقبالی، انتشارات جاویدان، چاپ دوم/ ۱۳۶۶ ش.
- ۵- سفرنامه شاردن (قسمت شهر اصفهان)، ترجمه حسین عربضی، تهران، انتشارات نگاه، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
- ۶- سفرنامه کمپفر، انگلپرت کمپفر، ترجمه: کیکاوس جهاننداری، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش.
- ۷- سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، مصلح‌الدین مهدوی.
- ۸- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، لطف... هنرفر، انتشارات ثقفی اصفهان، چاپ دوم، ۱۳۵۰ ش.